

زمینه‌های تاریخی منقولات أم المؤمنین أم سلمه در مسئله امامت

محمد یحیی زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

ابراهیم رضائی کلیری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

چکیده

أم سلمه یکی از همسران برجسته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از زنان تاثیرگذار تاریخ صدر اسلام می باشد که در قرآن کریم، با عنوان «أم المؤمنین» نامیده شده است. نام او در منابع روایی شیعه و اهل سنت به کرات آمده و روایات متعددی از او در موضوعات مختلف نقل شده است. پژوهش حاضر، باتوجه به هم‌زمانی دوران زندگی این بانوی بزرگ اسلام، با رخدادها و وقایع مهم تاریخی دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن تا پایان حیات او، به روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این پرسش است که زمینه‌های تاریخی منقولات أم سلمه چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بخشی از منقولات أم المؤمنین أم سلمه دارای زمینه تاریخی مشخص و معینی است. برخی از این زمینه‌ها عبارتند از: جریان سقیفه، جنگ‌های سه گانه امام علی علیه السلام (جمل، صفین و نهروان)، واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام، شکل‌گیری و رواج جریان سب و لعن امیرالمؤمنین علیه السلام توسط معاویه، تضعیف جایگاه و فضایل و مناقب امام علی علیه السلام و تبیین جایگاه و شخصیت عمّار بن یاسر.

واژگان کلیدی: أم سلمه، منقولات، اهل بیت، امام علی علیه السلام، زمینه‌های تاریخی.

۱. دانش پژوه سطح دو کلام اسلامی، موسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم السلام myah9046@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح سه مذاهب اسلامی، موسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم السلام e.r181359@gmail.com

مقدمه

هند بنت ابی امیه از قبیله بنی مخزوم، معروف به أم سلمه، یکی از بهترین همسران رسول خدا ﷺ بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۱ق: ۲۷۶/۷). وی از راویان حدیث بود که احمد بن حنبل در مسند ۲۸۰ روایت (احمد بن حنبل، بی تا: ۱۶۹/۱۰)، طبرانی در المعجم الکبیر ۵۱۸ حدیث از أم سلمه نقل کرده (طبرانی، بی تا: ۲۴۸/۲۳)، ذهبی نیز تعداد روایات او را ۳۷۸ برشمرده است. مسلم و بخاری بر ۱۳ حدیث او اتفاق نظر دارند. مسلم خود نیز ۱۳ حدیث و بخاری نیز ۳ حدیث از ایشان در کتاب خود نقل کرده است (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۰/۲). مضمون برخی از روایات او معرفی دوازده امام، معرفی شخصیت و جایگاه و فضایل حضرت علی علیه السلام، دوستی و دشمنی با امام علی علیه السلام، جایگاه و شخصیت حضرت زهراء علیها السلام، جایگاه و شخصیت امام حسن و امام حسین علیهما السلام، معرفی حضرت مهدی علیه السلام، بیان شأن نزول برخی آیات قرآن مانند: آیه تطهیر، قصه حدیث کساء، روایات مربوط به جایگاه و شخصیت برخی از صحابه شاخص مانند عمار بن یاسر می باشد.

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، نوشتن و نقل احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به این بهانه که سبب غفلت مسلمانان از قرآن می شود، ممنوع شد. پس از استقرار حکومت اموی نیز، نه تنها کتمان و پوشیده نگهداشتن فضایل و مناقب خاندان وحی شدت بیشتری یافت، بلکه سب و لعن امام علی علیه السلام انتشار و نهادینه کردن این موضوع در جامعه اسلامی در دستور کار امویان قرار گرفت و معاویه سب و لعن آن حضرت را در بخشنامه ای عمومی به همه ولایات ابلاغ کرد. این موضوع تأثیر بسزایی در رها کردن اهل بیت علیهم السلام توسط مردم داشت. در چنین برهه ای از تاریخ، أم سلمه پیوسته احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را درباره فضایل و مناقب امام علی علیه السلام به مردم گوشزد می نمود و به سب او و فرزندان او اعتراض می کرد. او ضمن بازگویی و یادآوری این روایات، هنگام مواجهه با جاهلان خفته، با استفاده از موقعیت أم المؤمنین بودن خویش، آنها را به اهل بیت علیهم السلام دعوت می کرد. حال سؤال این است که، آیا منقولات أم سلمه دارای زمینه های تاریخی بوده و این زمینه های تاریخی مربوط به چه وقایعی می باشد؟ پژوهش پیش رو با بهره گیری از منابع کتابخانه ای شیعه و اهل سنت و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال یافتن پاسخ به پرسش مطرح شده است.

۱. پیشینه پژوهش

در مورد أم سلمه به‌عنوان یکی از همسران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطالب زیادی نوشته شده ولی با جستجوی انجام شده دربارهٔ زمینه‌های تاریخی روایات منقول از أم سلمه تحقیق مستقلی انجام نشده است. نزدیک‌ترین پژوهش‌های انجام شده دربارهٔ این موضوع، پایان‌نامهٔ «مسند أم المؤمنین سیده أم سلمه من مسند الامام احمد بن حنبل» اثر ابوالقاسم محمد رفیق، دفاع شده در دانشگاه أم القرای مکه در سال ۱۴۰۴ قمری و مقالهٔ «اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام فی روایات الصحابه: روایات أم سلمه» اثر قاسم السوداني، چاپ شده در مجلهٔ الثقلین در سال ۱۴۲۱ قمری می‌باشد. در اثر نخست، مجموعه‌ای از روایات أم سلمه در ابواب مختلف جمع‌آوری شده ولی به زمینهٔ تاریخی آن‌ها پرداخته نشده است؛ اثر دوم نیز به‌طور اختصاصی به برخی از روایات أم سلمه در مورد اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام پرداخته است.

کتاب «خاندان وحی به روایت أم سلمه و عایشه» اثر ناصر باقری بیدهندی نیز، یکی دیگر از این آثار است که توسط مؤسسهٔ پژوهش‌های ایران‌شناسی در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است. این کتاب فقط به چهل حدیث از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌نقل از حضرت أم سلمه و عایشه در موضوع فضایل و مناقب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام پرداخته و هیچ زمینهٔ تاریخی ارائه نداده است.

مقالهٔ «اقدامات أم سلمه در حمایت و دفاع از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام»، نوشتهٔ مهدی رضوانی مجد و ابراهیم رضائی کلیری منتشر شده در شمارهٔ دو دوفصلنامهٔ مطالعات تطبیقی اندیشهٔ دینی، در سال ۱۴۰۱ شمسی و مقالهٔ «واکاوی اقدامات فرهنگی أم المؤمنین أم سلمه با تکیه بر منابع فریقین»، منتشر شده در شمارهٔ پنجم دوفصلنامهٔ مطالعات تطبیقی اندیشهٔ دینی، در سال ۱۴۰۲ شمسی.

این دو مقاله نیز اگر چه در موضوع أم سلمه نوشته شده است؛ ولی به زمینه‌های تاریخی منقولات أم سلمه در موضوع امامت نپرداخته‌اند.

علاوه بر موارد فوق، مقالهٔ «أم المؤمنین أم سلمه مدافع اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام» اثر فهیمه فهیمه‌نژاد منتشر شده در مجلهٔ شماره ۱۵ بانوان شیعه، در سال ۱۳۸۷ شمسی نیز به برخی از احادیث نقل شده از أم سلمه پرداخته است. اختصاصی بودن روایات نقل شده به‌موضوع خاص، طرح

مباحث غیر مرتبط مانند بحثی طولانی درباره تبارشناسی ام سلمه، بررسی علل تعدد ازدواج رسول خدا ﷺ و عدم استفاده از منابع اهل سنت وجه افتراق این مقاله با موضوع پژوهش پیش رو است.

۲. شناخت نامه ام المؤمنین ام سلمه

هند دختر ابی امیه از قبیله بنی مخزوم معروف به ام سلمه است. او از نخستین زنانی بود که اسلام آورد و در ابتداء همسر عبدالله بن عبدالاسد از قبیله بنی مخزوم، پسر عمه و برادر رضاعی پیامبر اکرم ﷺ و از مهاجرین به حبشه بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۱ق: ۲۷۶۷؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۵ق: ۹۴۰/۳).

همسر او پس از شرکت در غزوات مختلف در کنار رسول خدا ﷺ در غزوه احد پس از جراحات های وارد شده در سال چهارم هجرت، به شهادت رسید. ام سلمه از ایشان چهار فرزند به نام های سلمه، عمرو، دره و زینب داشت (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۱ق: ۴۰۴/۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸ق: ۳۳۰/۷).

ام سلمه پس از شهادت عبدالله بن عبدالاسد در سال چهارم هجری با پیامبر اکرم ﷺ ازدواج کرد. او بعد از خدیجه رضی الله عنها از بهترین زنان رسول خدا ﷺ می باشد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۱ق: ۲۷۶۷).

ام سلمه پس از ازدواج با پیامبر اکرم ﷺ در برخی از غزوات، آن حضرت را همراهی کرده (واقدی، ۱۴۰۴ق: ۶۷/۲) و در حجة الوداع نیز حضور داشت و از معدود کسانی بود که بعد از رسول خدا ﷺ بر عهد خود با آن حضرت استوار و وفادار ماند و هیچ تغییری در اندیشه و عمل او حاصل نشد. (حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ۱۹۱/۶). این همسر با وفای رسول خدا ﷺ پس از رحلت آن حضرت تا پایان عمر اهل بیت علیهم السلام را یاری می کرد و از مواضع آنان دفاع می نمود و از دشمنانشان دوری می جست (صدوق، ۱۳۸۶ش: ۴۲۵ - ۴۷۹).

ام سلمه در دوران خلافت خلیفه اول به حمایت از اهل بیت علیهم السلام پرداخت (کحاله، ۱۴۰۴ق: ۲۲۴/۵) و یکی از کسانی بود که در واقعه سقیفه به طور مستقیم با مهاجمین درگیر شد و از حضرت زهراء و امام علی علیه السلام دفاع کرد. این دفاع او از اهل بیت علیهم السلام باعث قطع شدن مقرریش از بیت المال به مدت یک سال شد (خزاز قمی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۹/۴ - ۲۳۰).

ام‌سلمه در دوران حکومت امام علی علیه السلام دارای نقش بسیار پررنگی بود و از آن حضرت حمایت و دفاع می‌کرد. او ضمن رد درخواست طلحه و زبیر، آن حضرت را شایسته‌ترین فرد برای حکومت می‌دانست و خواسته آن دو را به شدت رد کرد. ام‌سلمه تلاش کرد تا با یادآوری سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عایشه مبنی بر فضایل و مناقب و جایگاه امام علی علیه السلام او را از رفتن به جانب بصره باز دارد (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۴۵۴/۲) ولی موفق نشد و به همین علت پس از وقوع جنگ توسط عایشه تا آخر عمر با او صحبت نکرد (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۲۷).

باتوجه به دستور مؤکد قرآن کریم مبنی بر عدم خروج زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از منزل پس از رحلت آن حضرت «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳) ام‌سلمه در جنگ جمل حاضر نشد ولی یکی فرزنداناش به نام عمرو بن ابی سلمه که از بهترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود را برای حضور و همراهی در جنگ جمل فرستاد (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ق: ۱۹/۲). ام‌سلمه در دوران خلافت معاویه نیز از امام علی علیه السلام حمایت کرد و در مقابل لعن حضرت علی علیه السلام و دوستانانش با بیان فضایل و مناقب آن حضرت ایستاد (ابن عبدربه اندلسی، ۱۳۸۴ق: ۱۱۵/۵).

مشهور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله شیشه‌ای از خاک کربلا را نزد ایشان گذاشته و به او فرمودند: «هرگاه این خاک رنگ خون تازه به خود گرفت، بدان که حسینم به شهادت رسیده است.» پس از آن روز، ام‌سلمه هر روز به آن شیشه نگاه می‌کرد، تا اینکه پس از شهادت امام حسین علیه السلام مشاهده کرد که آن خاک به خون تبدیل شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۶۹/۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸ق: ۹۳/۴). بنابر نقل ذهبی ام‌المؤمنین ام‌سلمه با شنیدن خبر شهادت امام حسین علیه السلام بسیار ناراحت و به شدت گریه کرد و از آن به بعد فقط لباس خشن پوشید. همچنین ذهبی نقل کرده ام‌سلمه صدای اجنه در نوحه خوانی برای امام حسین علیه السلام را می‌شنیده است (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۲/۲) ام‌المؤمنین ام‌سلمه در سال ۵۹ (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۷۶/۸؛ ابن عبدبر، ۱۴۱۵ق: ۱۹۲۱/۴) یا ۶۱ هجری (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۱ق: ۴۰۷/۸) در مدینه از دنیا رفت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۷۶/۸) ام‌سلمه از راویان حدیث بود و بیش از ۳۷۸ حدیث از او در منابع روایی اهل سنت نقل شده است. (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۰/۲).

۳. ماجرای سقیفه بنی ساعده

یکی از مهمترین و نخستین واقعه تاریخی پس از رحلت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سقیفه بنی ساعده بود. در این واقعه جانشین حقیقی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از صحنه حکومت کنار زده شد و ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد. با توجه به اهمیت این واقعه تاریخی کتاب‌های مختلفی از صدر اسلام تا کنون با عنوان «السقیفه» توسط مورخین تدوین شده است (زرکلی، بی تا: ۱۱۹/۳؛ آقابزرگ تهرانی، بی تا: ۲۰۶/۱۲ و ۴۷/۱۹ و ۵۲/۱۸ و ۳۶۷ و ۳۶۸، ۲۵۲/۱۷ و ۲۵۲/۱۰ و ۱۹۶/۱۰). زمینه‌های تاریخی برخی از منقولات ام سلمه اتفاقات سقیفه بنی ساعده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۳-۱. دفاع از حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام

درباره جایگاه و فضایل و مناقب حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام از ام سلمه مطالبی نقل شده است که زمینه تاریخی آن‌ها روشن نیست، مانند اینکه فرمود: «مراقبت و سرپرستی از حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام به من سپرده شده بود درحالی که او از من با ادب تر و نسبت به امور از من آگاه تر بود و نیازی به تربیت من نداشت». (مجلسی، ۴۰۳: ۱۰/۴۳؛ محلاتی، ۳۶۴: ۲/۲۹۴) ولی زمینه‌های تاریخی برخی دیگر روشن است، مانند: روایات عیادت ام سلمه از حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام که در ایام ۷۵ روز و یا ۹۵ روز پس از رحلت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتفاق افتاده و یا روایاتی که عیادت ام سلمه از حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام را گزارش می‌دهند. بنابر برخی نقل‌ها ام سلمه در بیماری حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام و روزهایی که مردم مدینه همسرش امام‌علی عَلَيْهِ السَّلَام را تنها گذاشته بودند، به عیادت ایشان رفت و جویای حالشان شد. حضرت در پاسخ به احوالپرسی او فرمود: «خود را بین دو گرفتاری می‌بینم؛ ولایتی را که طبق نص قرآن و دستور الهی به علی عَلَيْهِ السَّلَام محول شده بود را غصب کردند و علت غصب چیزی جز کینه‌هایی که از او در دل‌ها داشتند، نیست. کینه‌هایی که در جنگ بدر و احد در قلب‌های سیاهشان پنهان شده بود» (ابن شهر آشوب، بی تا: ۲۳۴/۲).

یکی از مهمترین منقولات ام سلمه در جریان غصب فدک و دفاع ایشان از حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام می‌باشد. پس از غصب فدک توسط حکومت ابوبکر، حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَام به مسجد رفت و در این باره خطبه‌ای ایراد کرد که به «خطبه فدکیه» معروف است. وقتی

ابوبکر سخنان حضرت زهراء علیها السلام را شنید، به مسجد رفت و خطبه‌ای خواند و در ضمن مطالب خود به حضرت علی و حضرت زهراء علیهما السلام توهین کرد. أم سلمه با شنیدن این توهین‌ها سر از خانه‌اش بیرون آورد و گفت: «آیا به شخصیتی همچون فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین حرف‌های ناشایستی گفته می‌شود در حالی که او حوریه‌ای است بین انسان‌ها؟! او انیس جان‌هاست و در دامن انبیاء پرورش یافته و دست به دست ملائکه می‌گشته و در دامن پاکیزه گان به خواب رفته است. او دارای بهترین نشو و نمو بوده و بهترین مربی یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را پرورانده است. آیا گمان می‌کنید که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از ارثش محروم کرده ولی سخنی در این باره به او نگفته است؟ در حالی که خداوند در قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده تا خویشاوندان خود را انذار کند؟ حال چگونه ممکن است دختر خود را انذار نکرده باشد و دخترش چیزی که حقش نیست، طلب کند؟ فاطمه بهترین زنان و مادر دو آقای اهل بهشت است. او در پاکی همچون مریم دختر عمران و همسر شیر خداست و به واسطه پدرش رسالت بر تمام جهانیان تمام شد. من دیدم چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله در سرما و گرما از او مواظبت کرده و دست راستش را زیر سر او و دست چپش را مانند رواندازی بر فاطمه قرار می‌داد (طبری، بی تا: ۳۹).

۲-۳. نقل فضایل و مناقب امام علی علیه السلام

یکی از زمینه‌های تاریخی روایات أم سلمه در موضوع فضایل و مناقب امام علی علیه السلام در واقعه سقیفه است. وقتی أم المؤمنین أم سلمه پس از غصب فدک و سخنرانی حضرت زهراء علیها السلام و توهین ابوبکر به ایشان و امام علی علیه السلام و شدت برخورد با خانواده اهل بیت علیهم السلام را مشاهده کرد، دو فضیلت مهم حضرت علی علیه السلام یعنی «حدیث منزلت» و حدیث «ثقلین» را از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع مهاجرین و انصار نقل کرد. او به سران سقیفه گفت: «همه کارهایی که مرتکب شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله شاهد آن‌ها بود، پس وای بر شما به زودی خواهید دانست که چه کرده‌اید، آیا فراموش کردید قول رسول خدا صلی الله علیه و آله را که در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: یا علی جایگاه تو نسبت به من، مانند منزلت هارون نسبت به موسی است؟ آیا سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را که فرمود: دو شیء گران‌بها در میان شما امانت می‌گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیتم، فراموش کردید؟» بعد از این جملات أم سلمه، تنها جوابی

که حکومت در مقابل حجّت و دلایل او داشتند این بود که حقوق او را از بیت‌المال یکسال قطع کردند. (طبری، بی تا: ۳۹).

در برخی دیگر از منقولات، حدیث منزلت نیز از ام سلمه نقل شده است، ولی روشن نیست در چه زمانی بیان گردیده است. بنابر این نقل، رسول خدا ﷺ به علی بن ابی طالب فرمودند: آیا دوست نداری نسبت به من آن گونه باشی که هارون نسبت به موسی بود؟ غیر از اینکه بعد از من پیامبری وجود ندارد (طبرانی، بی تا: ۳۷۷/۲۳).

۴. جنگ‌های امام علی علیه السلام

زمینه‌های تاریخی بخش فراوانی از منقولات ام سلمه وقوع جنگ‌های سه گانه امام علی علیه السلام است. ام سلمه با وقوع این جنگ‌ها به دفاع از امام علی علیه السلام و مواضع او پرداخت و روایاتی از رسول خدا ﷺ نقل کرده است که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۱. نقل روایات نبرد با ناکثین، قاسطین و مارقین

در زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام عمده مخالفان حضرت به سه دسته کلی تقسیم شدند و علیه امام به صورت مسلحانه خروج کردند. آن سه دسته عبارتند از: ناکثین، قاسطین و مارقین. ناکثین به معنای پیمان شکنان به گروهی گفته می شود که پیمان بیعت خویش را با امام علی علیه السلام شکستند و با لشکرکشی به بصره، جنگ جمل را به راه انداختند. طلحه، زبیر و عایشه در رأس این گروه قرار داشتند. قاسطین به معاویه و یاران او از اهل شام که به دروغ داعیه خون خواهی عثمان را بهانه بیعت شکنی و برپایی جنگ صفین نمودند، اطلاق می شود. مارقین نیز به کسانی که از راه حقیقت خارج شده و در نهروان علیه آن حضرت اجتماع کردند و جنگ نهروان را به وجود آوردند، گفته می شود (ابن خلدون، بی تا: ۵۹۰/۱).

باتوجه به اینکه جنگ‌های دوران امام علی علیه السلام نبرد مسلمان با مسلمان بود، از این رو برخی از مردم دچار شبهه شدند که آیا ورود به این جنگ‌ها صحیح است یا نه؟ در پاسخ به این پرسش جواب‌های متعددی بیان شده است که یکی از مهمترین آن‌ها روایات متعددی است که در آن‌ها رسول خدا ﷺ امام علی علیه السلام را مکلف به نبرد با ناکثین، مارقین و قاسطین نموده است. این روایات توسط برخی از صحابه مانند: عمار بن یاسر، عبدالله بن

مسعود، ابویوب انصاری، ابوسعید خدری نقل شده است (ابی‌یعلی، ۱۴۱۸ق: ۱۲۸/۲؛ طبرانی، بی‌تا: ۹۱/۱۰؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۵۰/۳).

ام‌سلمه نیز از جمله کسانی است که این روایات را نقل کرده است. بنابر نقل شیخ صدوق و علامه مجلسی، رسول خدا ﷺ در معرفی امام علی علیه السلام به ام‌سلمه، ایشان را «سید مسلمین» و «امام متقین» و «پیشوای پیشانی سفیدان» می‌داند که با ناکثین، قاسطین و مارقین وارد جنگ می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای شناساندن ناکثین، آنان را جمعی از مردم مدینه معرفی می‌کند که در ابتداء با او بیعت نموده ولی در بصره بیعت او را شکسته و با او به جنگ می‌پردازند. قاسطین نیز معاویه و یاران او از اهل شام هستند که در حق علی بن ابی طالب علیه السلام ظلم می‌کنند. کسانی که از راه حقیقت خارج شده و در نهروان با او وارد جنگ می‌شوند نیز مارقین هستند (صدوق، ۱۴۱۸ق: ۲۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۲۱/۲۲).

یکی از زمینه‌های تاریخی، بیان این گونه روایات توسط ام‌سلمه، وقوع جنگ جمل، صفین و نهروان در دوران حیات او می‌باشد. ام‌سلمه با بیان این گونه روایات سعی کرد به دفاع از خلافت امام علی علیه السلام پرداخته و نشان دهد که اقدامات آن حضرت اجتهاد شخصی نیست و برای جنگ با این سه گروه از رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور دارد.

با بررسی متون متقدم روایی و تاریخی روشن می‌گردد که یکی از ادله حقایق حضرت علی علیه السلام در جنگ‌های دوران خلافت او، دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین است. امام علی علیه السلام بنابر همین روایات جنگ با عایشه، طلحه، زبیر و خوارج را وظیفه خودش دانست که از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله بر عهده او قرار داده شده بود و نجات‌بخیدن با آن‌ها را کفر به خدا می‌دانست. این روایات از حضرت علی علیه السلام (بزار، ۱۴۳۰ق: ۲۶/۳؛ هبشی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۸/۷؛ ابن‌عساکر، ۱۴۲۱ق: ۳۵۹/۴۵) و عمار یاسر (ابی‌یعلی، ۱۴۱۸ق: ۱۲۸/۲) و عبدالله بن مسعود (ابن‌کثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۷۱/۲) و ابویوب انصاری (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۵۰/۳)، نقل شده است. ام‌سلمه نیز در بخشی از منقولات کلامی خود به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله به بیان این روایات پرداخته است (صدوق، ۱۳۸۶ش: ۳۸۲).

۲-۴. نقل فضایل و مناقب امام علی علیه السلام

بخشی از منقولات ام‌سلمه درباره بیان فضایل و مناقب امام علی علیه السلام در واقعه تاریخی جنگ

جمل است. به عبارت دیگر، جنگ جمل زمینه تاریخی بیان این فضایل و مناقب را برای أم سلمه فراهم کرد. بنا بر نقل ابن ابی الحدید، از ابو مخنف وقتی عایشه برای تشویق أم سلمه به شورش برای خون‌خواهی عثمان نزد او آمد، أم سلمه با حضور او در جنگ مقابل امام علی علیه السلام به شدت مخالفت کرد و در پاسخ او به فضایل و مناقب امام علی علیه السلام اشاره کرد تا بتواند وی را از این کار باز دارد. او گفت: «تو دیروز مردم را بر عثمان می شورانیدی و درباره او بدترین سخنان را می گفتی و نامش در نزد تو چیزی جز «نعل» نبود؛ تو منزلت علی بن ابی طالب را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می شناسی، آیا می خواهی برخی از موارد آن را به تو یادآوری کنم؟ عایشه گفت: آری.

أم سلمه گفت: آیا به خاطر داری روزی من و تو در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه باز می گشتیم و زمانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از گردنه قُدَید فرود آمد در سمت چپ با علی در گوشه‌ایی خلوت کرد و چون زمان گفتگوی آنان طول کشید تو خواستی پیش آن دو بروی و سخن آنان را قطع کنی؛ من تو را از آن کار بازداشتم، ولی نپذیرفتی و به آن دو هجوم بردی و اندکی بعد با چشم گریان برگشتی؟ از تو پرسیدم: چه شده است؟ گفتی: درحالی که آن دو آهسته سخن می گفتند شتابان نزد آنان رفتم و به علی گفتم: از نه شبانه‌روز زندگی پیامبر فقط یک شبانه‌روز آن به من تعلق دارد، چرا مرا با این یک روز خودم آزاد نمی گذاری؟ در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله خشمگین شد و درحالی که چهره‌اش از شدت خشم سرخ شده بود روی به من کرد و فرمود: به جای خودت برگرد! به خدا سوگند هیچ کس از افراد خانواده من و مردم دیگر، علی را دشمن نمی دارد مگر اینکه از ایمان خارج می شود؛ من پشیمان و درمانده برگشتم. عایشه گفت: آری این موضوع را به یاد دارم.

أم سلمه گفت: باز موضوع دیگری را به یاد تو بیاورم؟ آیا به خاطر داری که من و تو در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم، تو مشغول شستن سر پیامبر بودی و من مشغول تهیه کشک و خرمای مورد علاقه پیامبر، در همان حال پیامبر صلی الله علیه و آله سر خود را بلند کرد و فرمود: ای کاش می دانستم که کدام یک از شما صاحب آن شتری هستید که موهای دُمش انبوه است و سگ‌های حوآب بر او پارس می کنند درحالی که از راه راست منحرف شده است. من گفتم: از این موضوع به خدا و رسول خدا پناه می برم. سپس پیامبر بر پشت تو زد و

فرمودند: برحذر باش که تو آن زن نباشی! سپس خطاب به من فرمودند: ای دختر ابی امیه، مبادا که تو آن زن باشی! ای عایشه توجه داشته باش که من تو را از آن کار بیم دادم و برحذر داشتم. عایشه گفت: آری این را هم به یاد دارم.

أم سلمه گفت: موضوع دیگری را هم به تو یادآوری کنم؛ آن زمان که من و تو در سفری همراه رسول خدا ﷺ بودیم، علی در آن سفر عهده‌دار نگهداری کفش‌ها و جامه‌های پیامبر بود و آن‌ها را مرمت می‌کرد و می‌شست؛ اتفاقاً یکی از کفش‌های پیامبر سوراخ شد، علی آن را برداشت و در سایه‌ای نشست و به تعمیر آن مشغول شد. در این هنگام پدرت همراه عمر آمدند و اجازه خواستند. من و تو پشت پرده رفتیم. آن دو وارد شدند و درباره آنچه می‌خواستند با پیامبر سخن گفتند، سپس گفتند: ای رسول خدا، ما نمی‌دانیم تو چه مدت دیگر با ما خواهی بود، اگر مصلحت می‌دانی به ما بگو پس از تو خلیفه ما چه کسی خواهد بود تا پس از تو او برای ما پناهگاه باشد؟ پیامبر ﷺ به آن دو نفر فرمود: همانا من هم‌اکنون جایگاه او را می‌بینم و اگر او را معرفی کنم از او پراکنده خواهید شد، همان‌گونه که بنی اسرائیل نسبت به هارون بن عمران چنین کاری کردند. آن دو سکوت کردند و بیرون رفتند و چون ما از پس پرده بیرون آمدیم تو که نسبت به پیامبر از همه ما گستاخ‌تر بودی، گفتی: ای رسول خدا، چه کسی خلیفه شما خواهد بود؟ فرمود: تعمیرکننده کفش. به‌دقت نگریستم کسی جز علی را ندیدم. تو گفتی: ای رسول خدا، من کسی جز علی را نمی‌بینم. فرمود: آری همان خلیفه من است. عایشه گفت: این را هم به خاطر دارم. أم سلمه گفت: بنابراین، خروج و قیام تو چه معنایی دارد؟» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق: ۲۱۸/۶).

در روایات دیگری که این گفتگو را بیان کرده‌اند به جز سه فضیلت فوق فضایل دیگری نیز از زبان أم سلمه برای علی علیه السلام بیان شده است. بنابر نقل شیخ مفید أم سلمه به عایشه گفت: «اگر از علی پنج فضیلت بگویم مانند کسی می‌شوی که مار پیر و سیاه و سفیدی او را گزیده باشد و او به خود پیچد؟ ای عایشه آیا روزی را به یاد می‌آوری که من و تو در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستیم بودیم، در این هنگام پیامبر به تو فرمود: ای حمیراء آیا گمان می‌کنی که تو را نمی‌شناسم؟ همانا امت من از تو روز تلخ یا روز سرخی (کنایه از

خونریزی) را خواهند دید! آیا روزی را به یاد می‌آوری که پیامبر ﷺ همه ما را در خانه میمونه جمع کرد و فرمود: ای همسران من از خدا بترسید و به هیچ کس اجازه ندهید شما را به خروج وادار کند؟ (مفید، بی تا: ۱۱۶).

بنابر نقل مرحوم طبرسی أم سلمه ضمن شمردن فضایل علی برای عایشه به او گفت: «تو را به خدا ای عایشه، آیا به یاد داری آن شبی را که با پیامبر ﷺ به فلان جا می‌رفتیم و پیامبر بین من و علی قرار گرفته بود و با علی صحبت می‌کرد، تو در حین حرکت شترت را راندی تا بین علی و پیامبر قرار گیرد؟ پیامبر تازیانه‌ای را که در دست بلند کرده و به شتر تو زد و فرمود: سوگند به خدا که روزگار سخت و گرفتاری علی از جانب تو یک روز و دو روز نیست؛ این را بدان که جز منافق و دروغ‌گو به علی بغض و کینه نمی‌ورزد» (طبرسی، ۱۳۸۶ق: ۳۸۸/۱).

علاوه بر این أم سلمه با بیان روایاتی از پیامبر اکرم ﷺ امام علی را با حق و حق را با او می‌دانست. همچنین جنگ با امام علی را جنگ با رسول خدا ﷺ قلمداد می‌کرد و با این بیان دیگران را به حضور در کنار امیرالمؤمنین تشویق می‌کرد و حتی بعد از جنگ جمل نیز برای شرکت کنندگان در این نبرد این گونه روایات را بیان می‌کرد تا شک و دو دلی آنان از بین برود. شداد بن اوس از جمله کسانی بود که در جنگ جمل نه به یاری علی بن ابی طالب رفت و نه علیه او کاری کرد و تا نزدیکی‌های ظهر بی طرف بود ولی در نیمه روز خداوند به دلش انداخت که به سپاه امیرالمؤمنین بپیوندد. شداد پس از جنگ به مدینه آمد و بر أم سلمه وارد شد. أم سلمه وقتی متوجه شد که شداد از بصره می‌آید، از او پرسید: با کدام گروه بوده است؟ و شداد نیز قصه خود را تعریف کرد. أم سلمه فرمود: «خوب کاری کردی. از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمودند: هر کس با علی بن ابی طالب بجنگد، با من جنگ کرده و جنگ با من جنگ با خداست». شداد از أم سلمه پرسید که آیا واقعاً نظر او این است که حق با علی بن ابی طالب است؟ أم سلمه فرمود: «بله. به خدا قسم علی با حق است و حق با علی است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۴۶/۳۶؛ خزاز قمی، ۱۴۱۰ق: ۱۸۰).

ابوثابت آزاد کرده ابوذر نیز از جمله کسانی بود که با مشاهده عایشه، طلحه و زبیر در

یک طرف و امام علی علیه السلام در طرف دیگر جنگ دچار شک و تردید شد ولی به خاطر اینکه امام علی علیه السلام امیر مؤمنان و برادر پیامبر و نخستین مسلمان بود، ایشان را همراهی کرد و بعدها در مدینه بر أم سلمه وارد شد و قصه خود را تعریف کرد. أم سلمه به او گفت: من خود از پیامبر شنیدم که می فرمود: همانا علی با قرآن است و قرآن با علی است و از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۴۴۱/۳).

۳-۴. خروج عایشه و کلاب حوآب

بخشی از زمینه‌های تاریخی منقولات أم سلمه مربوط به خروج عایشه از منزل و داستان «کلاب حوآب» است. مضمون این روایات این است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بارها فرمودند: «گویی می بینم که سگ‌های منطقه‌ای که نامش حوآب است بر یکی از زنان من پارس می کنند. پس به عایشه اشاره کردند و به او فرمودند: «مواظب باش که آن زن تو نباشی» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق: ۳۱۰/۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۲۱۸/۶).

عصام بن قدامه بجلی به نقل از ابن عباس نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به همسرانش فرمود: «کاش می دانستم کدام یک از شما صاحب آن شتر پر مو است که خروج می کند و سگ‌های حوآب بر او پارس می کنند؟ از چپ و راست او عده بسیاری کشته می شوند که همگی در آتش دوزخ خواهند بود» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق: ۹۵/۱۳).

ابن عبد ربه اندلسی نیز روایت کلاب حوآب را به این صورت گزارش کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عایشه می فرمود: ای حمیراء گویا می بینم که سگ‌های حوآب بر تو پارس می کنند در حالی که تو به جنگ علی می روی و نسبت به او ظالم هستی (ابن عبد ربه اندلسی، ۱۳۸۴ق: ۳۳۲/۴).

یکی از کسانی که خروج عایشه از منزل خود بر خلاف تصریح قرآن کریم در آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳) و داستان کلاب حوآب را نقل کرده، أم سلمه است. أم سلمه می گوید: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خروج یکی از همسران خود، یاد کرد. عایشه خندید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مواظب باش ای حمیراء که تو آن فرد نباشی! آن گاه رو به علی کرد و فرمود: اگر تو عهده‌دار کار او شدی، با او مدارا کن. أم سلمه در دیدار خود با عایشه در مکه نیز به این مطلب تصریح کرده و عایشه را از خروج

بر حذر داشته است» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق: ۲۱۸/۶؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ۱/۴۱۵).

روشن است که زمینه‌های تاریخی نقل روایات مربوط به سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عدم خروج زنان پیامبر و پارس کردن کلاب حوآب در دوران امام علی علیه السلام و جنگ جمل است. بنابر نقل ابن ابی الحدید از ابو مخنف وقتی عایشه برای تشویق ام سلمه به شورش برای خون‌خواهی عثمان نزد او آمد، ام سلمه در پاسخ او به فضایل و مناقب امام علی علیه السلام اشاره کرد و او را به یاد گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله انداخت که می‌فرمود: «امتم بعد از من دچار تفرقه می‌شوند، اگر بر امری واحد اجتماع کردند همراه آن‌ها باشید و اگر اختلاف کردند همراه با گروه میانه‌رو باشید، از اهل بیت مراقبت کنید. اگر جنگ کردند همراه ایشان بجنگید و اگر با کسی صلح کردند شما هم صلح کنید و بدانید که حق با اهل بیت من است هر کجا که آن‌ها باشند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۶/۳۶).

۴-۴. تبیین جایگاه عمّار بن یاسر

بخشی از منقولات ام سلمه مربوط به جایگاه و فضایل عمّار بن یاسر است که به صورت غیر مستقیم با مسئله امامت ارتباط دارد. عمّار بن یاسر یکی از پیشتازان در ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و هجرت در راه خدا بود. در کتب شیعه و اهل سنت روایات فراوانی از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شخصیت عمّار صادر شده که جایگاه او را در بین امت اسلام مشخص می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمنی با عمّار را سبب ایجاد دشمنی خداوند با آن شخص قلمداد کرده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۴۴۱/۳) بنابر نقل دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله عمّار اهل بهشت بوده (ابن عساکر: ۱۴۲۱ق: ۳۲۵/۴۶) و به بهشت دعوت می‌کند (بخاری، بی تا: ۱۰۴ و ۵۷۴) و بلکه بهشت مشتاق اوست (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۴۸/۳) و سر تا پای عمّار را ایمان به خدا فرا گرفته است (ابن عبد البر، ۱۴۱۵ق: ۲۲۹/۳) و هنگام اختلافات در میان مردم حق با عمّار است (ابن عبد البر، ۱۴۱۵ق: ۲۳۰/۳). غیر از روایات بیان شده، آن حضرت درباره عمّار بارها فرمودند که او توسط گروه طغیانگر کشته خواهد شد. این خبر غیبی با متن‌های مشابه و طرق فراوان نقل شده است (ذهبی، ۱۴۱۰ق: ۵۷۹/۳) تا آنجا که بعضی از علماء اهل سنت مانند ابن عبد البر و ذهبی این حدیث را متواتر و یکی از صحیح‌ترین احادیث می‌دانند (ابن عبد البر، ۱۴۱۵ق، ۲۳۱/۳؛ ذهبی، ۱۴۱۰ق: ۵۷۹/۳).

یکی از مهمترین راویان روایت «کشته شدن عمّار به دست گروه متجاوز؛ تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ» أم سلمه است (مسلم، ۱۴۲۸ق: ۱۲۹؛ طبرانی، بی تا: ۳۶۳/۲۳؛ ابی یعلی، ۱۴۱۸ق: ۱۱۳/۶؛ احمد بن حنبل، بی تا: ۳۰۰/۶).

باتوجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد یکی از زمینه‌های تاریخی روایات أم سلمه درباره جایگاه و فضایل و مناقب او جنگ‌های امام علی علیه السلام یعنی جنگ جمل و صفین باشد.

۵. گسترش سب و جلوگیری از نقل فضایل امام علی علیه السلام در دوران معاویه

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دشمنان امام علی علیه السلام برای به فراموشی سپردن فضایل و مناقب او، سب ایشان را در دستور کار قرار دادند. این اقدام بعد از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام و با بخشنامه معاویه آغاز شد. یکی از اقدامات أم سلمه در چنین شرایطی این بود که با نقل فضایل و مناقب امام علی علیه السلام، مانع از سب و لعن آن حضرت شود و در این زمینه چندین روایت از ایشان نقل شده است. بنابر نقل ابو عبدالله جدلی، وقتی او بر أم سلمه وارد شد، ایشان به او اعتراض کرد که چرا شما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را سب می‌کنید؟ ابو عبدالله جدلی از این مطلب تعجب می‌کند، أم سلمه می‌فرماید: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هر کس علی را سب کند، مرا سب کرده است» (احمد بن حنبل، بی تا: ۳۲۳/۶؛ ذهبی، ۱۴۱۰ق: ۶۳۳/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۶۷/۷). حاکم نیشابوری همین روایت را به تفصیل نقل کرده است. در این روایت نیز أم سلمه از ناسزا گفتن به امام علی علیه السلام نهی کرد و فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: کسی که به علی ناسزا بگوید، به من ناسزا گفته است و کسی که مرا سب کند، خدا را سب کرده است» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۳۰/۳).

حضرت أم سلمه زمانی که متوجه شد معاویه بالای منبر، حضرت علی علیه السلام را لعن می‌کند و به کارگزاران خود نیز دستور داده تا او را بر منابر رسمی لعن کنند، برای معاویه نامه‌ای نوشت و گفت: «شما بر منبرها خدا و رسول او را لعن و نفرین می‌کنید؛ چون لعن و نفرین علی در واقع لعن و نفرین به خدا و رسول خداست» ولی معاویه هیچ ترتیب اثری به نامه أم سلمه نداد (ابن عبد ربه اندلسی، ۱۳۸۴ق: ۳۶۶/۴).

در نقل دیگری که نشان‌دهنده دفاع حضرت أم سلمه از امام علی علیه السلام و جلوگیری از سب و لعن آن حضرت دارد، آمده است که وقتی به أم سلمه همسر پیامبر خیر رسید که یکی از

خدامانش آن حضرت را سبّ می‌کند او را احضار کرد و روایت مفصّلی را که از رسول خدا ﷺ در شأن و منزلت امام علیؑ شنیده بود بیان کرد (صدوق، ۱۳۸۶ش: ۶۰۴).

نقل‌های مختلف ام‌سلمه دربارهٔ جلوگیری و منع از سبّ امام علیؑ نشان می‌دهد که این روایات زمانی از ایشان صادر شده است که معاویه به‌طور رسمی سبّ آن حضرت را رواج می‌داد. بنابر نقل علامه امینی از منابع اهل سنت، معاویه به دنبال این بود که روایاتی در نکوهش منزلت امام علیؑ جعل کند تا به دنبال این کار، کودکان اهل شام با آن عمل خو گرفته و بزرگ شوند و بزرگسالان نشان به پیری برسند. زمانی که پایه‌های عداوت و بغض نسبت به اهل بیت ﷺ در قلوب ناپاکان محکم شد، سنت لعن و سبّ امیرالمؤمنین ﷺ در بین آن‌ها رواج پیدا کرد و این عمل سبب شد تا در نمازهای جمعه و جماعت و بر منابر، در همه جا، حتی در محل نزول وحی یعنی مدینه رواج پیدا کند (امینی، ۱۴۱۶ق: ۱۰۲/۲-۱۰۲). معاویه در آخر خطبهٔ نماز، با کلماتی زشت، حضرت علیؑ را مورد سبّ و لعن قرار می‌داد و آن‌گاه همین جملات را طی بخش نامه‌ای به همهٔ بلاد اسلامی فرستاد، تا خطیبان جمعه! نیز هماهنگ با او این گونه آن حضرت را لعن نمایند (امینی، ۱۴۱۶ق: ۵۶/۴). همچنین نقل شده است که معاویه در قنوت نماز خویش امام علی، امام حسن و امام حسین ﷺ را لعن می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۲/۴ و ۱۶۹/۲۳). بنابر نقل ابن ابی الحدید معتزلی به دستور صریح معاویه خطیبان شهرها و آبادی‌ها بر فراز منابر، به لعن حضرت علیؑ می‌پرداختند و به او و خاندانش ناسزا می‌گفتند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق: ۴۴/۱۱). بنابر نقل طبری، هنگامی که معاویه مغیره بن شعبه را والی کوفه کرد، به او چنین دستور داد: «لَا تَنْحَمَّ عَنْ شَتْمِ عَلِيٍّ وَ ذَمِّهِ» از ناسزاگویی و مذمت نسبت به علی پرهیز نکن (طبری، ۱۴۰۸ق: ۱۱۸/۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸ق: ۴۷۲/۳).

در همین دوران، معاویه برای انجام سفر حجّ راهی مکه و پس از آن به مدینه سفر می‌کند و با سعد بن ابی وقاص روبه‌رو می‌گردد و او را به خاطر شرکت نکردن در جنگ‌ها و کمک به او سرزنش می‌کند. سعد علت شرکت نکردن در صفّین را شنیدن حدیث «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ حَيْثُ كَانَ» از رسول خدا ﷺ مطرح می‌کند. معاویه از او سؤال کرد که این حدیث را رسول خدا ﷺ کجا نقل کرد و چه کسی شاهد نقل آن بوده است؟ سعد

در پاسخ، خانه أم سلمه را به عنوان محل نقل حدیث معرفی می‌کند. معاویه شخصی را فرستاد تا از صحت این نقل مطمئن شود. أم سلمه نیز نقل این فضیلت برای امام علی علیه السلام از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله را تأیید کرد (هیثمی، ۱۴۰۸: ق: ۲۳۵/۷).

۶. واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام

واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام بخشی از منقولات أم سلمه را به خود اختصاص داده و از این رو به جرأت می‌توان گفت یکی از زمینه‌های تاریخی این بخش از روایات، واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام بوده است. برخی از این روایات مربوط به وقایع قبل از شهادت امام حسین علیه السلام و برخی مربوط به وقایع پس از آن است.

بنابر نقل حضرت أم سلمه، شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل مدّت زمان طولانی خارج شدند و سپس برگشتند در حالی که ژولیده‌حال و غبارآلود بودند و گویا در دستان آن حضرت چیزی قرار داشت. به حضرت عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چه شده شما را در چنین حالی می‌بینم؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: الآن در موضعی از سرزمین عراق که به آن کربلا می‌گویند، سیر داده شدم. آنجا محل شهادت فرزندم حسین علیه السلام و جماعتی از فرزندانم و اهل بیتم را دیدم. سپس دست مبارکش را باز کردند و خاکی را به من سپردند و فرمودند: از آن محافظت کن. من آن را گرفتم و در شیشه‌ای قرار دادم و در آن را بستم و دائماً از آن شیشه محافظت می‌کردم تا هنگامی که حسین علیه السلام از مدینه خارج شد و به سمت مکه رفت. من هر روز و شب این شیشه را بیرون می‌آوردم و آن را می‌بوییدم و به آن نگاه می‌کردم. سپس به خاطر آن مصائبی که قرار بود اتفاق بیفتد می‌گریستم. هنگامی که روز دهم محرم فرارسید، در آخر روز آن شیشه را نگاه کردم ناگاه دیدم تبدیل به خون تازه شده است، از این رو شروع به گریستن کردم تا اینکه قاصدی خبر شهادت حضرت را به مدینه آورد (قاضی نعمان، ۱۴۰۹: ۱۳۰/۲).

زمانی که اباعبدالله علیه السلام راهی عراق شد، أم سلمه به ایشان فرمود: به عراق نرو، روزی از جدتان رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: فرزندم حسین علیه السلام در عراق کشته می‌شود. أم سلمه افزود: نزد من خاکی است که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به من داده است. امام حسین علیه السلام فرمود: سوگند

به خدا، من کشته خواهم شد. اگر به عراق هم نروم مرا خواهند کشت. سپس فرمود: اگر خواستی قبر خود و محل کشته شدن اصحابم را به تو نشان می‌دهم. آن گاه دست خود را به صورت ام سلمه کشید. خداوند شعاع دید چشم او را گستراند و او همه وقایع را دید. امام، خاکی از آنجا گرفت و در شیشه‌ای دیگر به او سپرد و فرمود: هر وقت این خاک آغشته به خون شد، بدان که من کشته شده‌ام. بعد از ظهر عاشورا وقتی ام سلمه به دو مشت خاکی که پیامبر ﷺ و امام حسین ﷺ به او داده بودند نگریست، مشاهده کرد که آغشته به خون شده‌اند. آن گاه فریاد برآورد (راوندی، ۱۴۰۹ق: ۲۵۳/۱ - ۲۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۹/۴۵).

از ام سلمه نقل شده است، از وقتی که رسول خدا ﷺ از دنیا رفتند دیگر صدای نوحه اجنه را نشنیدم تا اینکه متوجه شهادت فرزندم حسین ﷺ شدم. از این رو شنیدم که اجنه بر او عزاداری می‌کردند (ابن قولویه، ۱۳۷۷ش: ۲۶۵/۲۹).

در روایت دیگری که شیخ صدوق آن را نقل کرده است آمده است که، روزی ام سلمه با حالت گریه از خواب بیدار شدند. وقتی از او در این باره سؤال شد، به نقل از رسول خدا ﷺ فرمود: «فرزندم حسین ﷺ کشته خواهد شد و من آن حضرت را از روزی که از دنیا رفت تاکنون در خواب ندیده بودم مگر الآن. به آن حضرت گفتم: پدر و مادرم فدای شما چه شده که این گونه رنگ پریده و متغیر شده‌اید؟ پیامبر ﷺ فرمودند: دیشب در حال حفر قبر حسینم و اصحاب او در کربلا بودم (صدوق، ۱۳۸۶ش: ۲۲۲).

برخی از گزارش‌ها نشان‌دهنده این است که حدیث کساء نیز در این دوره توسط ام سلمه نقل شده است. وقتی ام سلمه با شهادت امام حسین ﷺ و ظلم و ستم امت نسبت به ایشان مواجه شد، برای نشان دادن جایگاه و موقعیت ایشان نسبت به رسول خدا ﷺ و واقعه بزرگی که به وقوع پیوسته، حدیث کساء که خود شاهد آن در زمان رسول خدا ﷺ بود را برای دیگران نقل کرده است. «سَمِعْتُ أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَةَ النَّبِيِّ ﷺ حِينَ جَاءَهَا نَعْيُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ لَعْنَتْ أَهْلَ الْعِرَاقِ وَ قَالَتْ ... فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ قَدْ جَاءَتْهُ فَاطِمَةُ ﷺ ... فَأَجْتَذَبَ مِنِّي كِسَاءَ خَيْرِيأ ... فَلَمَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَخَذَ طَرَفِي الْكِسَاءِ وَ أَلْوَى بِرِجْلَيْهِ إِلَيَّ إِلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَالَ أَللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذِيبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً» (احمد بن حنبل، بی تا: ۲۹۸/۶؛ طبرانی، بی تا: ۳۳۸/۲۳).

نتیجه‌گیری

أم سلمه از جمله کسانی است که درباره وقایع تاریخی مهم صدر اسلام دارای روایات و گزارشات فراوانی است و این مطلب حاکی از آن است که ایشان نسبت به وقایع زمان خویش بی تفاوت نبوده است. بخش فراوانی از روایات ایشان درباره موضوعات کلامی شیعه مانند: حقایق امام علی علیه السلام، بیان فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و جنگ‌های امام علی علیه السلام می‌باشد.

برخی از منقولات أم سلمه دارای زمینه تاریخی بوده و در بستر زمانی خاصی شکل گرفته است. این بستر تاریخی از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله تا رحلت ایشان یعنی سال ۶۴ هجری را دربرمی‌گیرد. زمینه‌های تاریخی برخی از منقولات أم سلمه عبارتند از: ماجرای سقیفه بنی ساعده و بیان فضایل و مناقب حضرت زهراء، امام علی علیه السلام، جنگ‌های امام علی علیه السلام، نقل روایات نبرد با ناکثین، قاسطین و مارقین، نقل فضایل و مناقب امام علی علیه السلام همزمان با شروع جنگ جمل، خروج عایشه و کلاب حوآب، تبیین جایگاه عمّار بن یاسر، گسترش سب امام علی علیه السلام در دوران معاویه و واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام.

بنابراین، غالب منقولات أم سلمه که دارای زمینه‌های تاریخی است مربوط به فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. بیشترین موضوع منقولات أم سلمه که دارای زمینه تاریخی هستند مربوط به تبیین و روشنگری جایگاه اهل بیت علیهم السلام و تشویق مسلمانان برای یاری آنان و همچنین همراهی نکردن با دشمنان آنها می‌باشد.

عنوان موضوعات	موضوعات تاریخی	رویدادها	دوره‌ها
اشاره به فضایل و مناقب حضرت زهراء <small>علیها السلام</small> و جایگاه او نزد رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>	دفاع از حضرت زهراء <small>علیها السلام</small>	سقیفه	دوران ابوبکر بن ابی قحافه
نقل روایت «حدیث منزلت» و «حدیث ثقلین»	نقل فضایل امام علی <small>علیه السلام</small>		
دستور رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> به نبرد با ناکثین، قاسطین و مارقین	نقل روایات نبرد با ناکثین، قاسطین و مارقین	جنگ‌های سه‌گانه	دوران علی بن ابی طالب
اشاره به فضایل و مناقب جناب عمار و کشته شدن او به دست گروه طغیانگر	تبیین جایگاه عمار		
تبیین آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب، ۳۳) مبنی بر عدم خروج همسران رسول خدا و واقعه پارس کردن کلاب حوآب بر یکی از همسران رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>	خروج عایشه و کلاب حوآب		
جلوگیری از سب و لعن امام علی <small>علیه السلام</small> با بیان روایت «مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي» و تذکر به غلامان برای عدم سب امام علی <small>علیه السلام</small> به خاطر مقام والای آن حضرت.	گسترش سب و لعن امام علی <small>علیه السلام</small>	گسترش سب و جلوگیری از نقل فضایل امام علی <small>علیه السلام</small>	دوران معاویه بن ابی سفیان
نقل فضیلت «مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي» نقل فضیلت «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ حَيْثُ كُنْتُ»	نقل فضایل و مناقب امام علی <small>علیه السلام</small>		
با خبر بودن از شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small> و عزاداری اجنه برای آن حضرت و تبدیل شدن تربت کربلا به خون نقل حدیث کساء	واقعه عاشورا و شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small>	واقعه عاشورا	دوران یزید بن معاویه

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرام، (۱۴۰۸ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۲۱ق)، *الإصابة فی تمييز الصحابة*، بیروت: دارالفکر، هفتم.
۳. _____، _____، (۱۴۰۷ق)، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، مصر: دارالریان، اول.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۳۸۵ق)، *شرح نهج البلاغة*، دار احیاء الکتب العربیه، ششم.
۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، (بی تا)، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دارالکتب العلمیه، هشتم.
۷. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، *الإستیعاب فی معرفة الاصحاب*، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۸. ابن عبد ربه اندلسی، احمد بن محمد، (۱۳۸۴ق)، *العقد الفريد*، بیروت: دارالکتب العربی، سوم.
۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، (۱۴۲۱ق)، *تاریخ دمشق الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۱۰. ابن قولویه، محمد بن جعفر بن موسی، (۱۳۷۷ش)، *کامل الزیارات*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. ابن کثیر، عماد الدین ابوالفداء، (۱۴۰۹ق)، *البدایة والنهائة*، بیروت: دارالکتب العلمیه، پنجم.
۱۲. ابی یعلی، احمد بن علی، (۱۴۱۸ق)، *المسند*، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۱۳. احمد بن حنبل، *المسند*، (بی تا)، بیروت، دار صادر، بی جا.
۱۴. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (بی تا)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، قم: موسسه اسماعیلیان.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی تا)، *صحیح البخاری*، بیروت: دارالکتب العربیه.
۱۶. بزار، احمد بن عمر، (۱۴۳۰ق)، *البحر الزخار المعروف بمسند البزار*، عربستان: مکتبه العلوم و الحکم، اول.
۱۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۲ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالکتب العلمیه، سوم.

١٨. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٢٥ق)، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوات، اول.
١٩. خزازقمی، علی بن محمد بن علی، (١٤١٠ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق: السید عبداللطیف الحسینی، قم: انتشارات بیدار.
٢٠. ذهبی، محمد بن احمد، (١٤١٧ق)، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: دارالحدیث، دوم.
٢١. —، —، (١٤١٠ق)، *تاریخ الاسلام*، بیروت: دارالکتاب العربی، سوم.
٢٢. زرکلی، خیر الدین، (بی تا)، *الأعلام*، بیروت: دارالعلم، سوم.
٢٣. صدوق، محمد بن علی، (١٣٨٦ش)، *امالی*، قم: انتشارات چهارده معصوم، دوم.
٢٤. —، —، (١٤١٨ق)، *معانی الاخبار*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چهاردهم.
٢٥. مفید، محمد بن نعمان، (بی تا)، *الإختصاص*، قم: منشورات جامعه مدرسین.
٢٦. —، —، (١٤١٤ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، بیروت: مؤسسه آل البيت، دوم.
٢٧. طبرانی، سلیمان بن احمد، (بی تا)، *المعجم الكبير*، دار احیاء التراث العربی، دوم.
٢٨. طبرسی، احمد بن محمد، (١٣٨٦ق)، *الإحتجاج*، نجف: مطابع نعمان.
٢٩. طبری، محمد بن رستم، (بی تا)، *دلایل الإمامة*، قم: منشورات الراضی، سوم.
٣٠. طبری، محمد بن جریر، (١٤٠٨ق)، *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت: دارالکتب العلمیة، دوم.
٣١. علامه امینی، عبدالحسین احمد، (١٤١٦ق)، *الغدیر*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، اول.
٣٢. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، (١٤١٠ق)، *تفسیر فرات کوفی*، تهران: سازمان چاپ و نشر، دوم.
٣٣. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، (١٤٠٩ق)، *شرح الأخبار فی فضایل الأئمة الأطهار*، محقق: سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، اول.
٣٤. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (١٤٠٩ق)، *الخرائج و الجرائح*، قم: مؤسسه الامام المهدي، اول.
٣٥. کحاله، عمر رضا، (١٤٠٤ش)، *أعلام النساء*، بیروت: مؤسسه الرسالة، پنجم.
٣٦. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (بی تا)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: موسسه انتشارات.
٣٧. مجلسی، محمد باقر، (١٤٠٣ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم.

۳۸. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۶۴ق)، *ریاحین الشریعة*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دوم.
۳۹. مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، (۱۴۲۸ق)، *صحیح مسلم*، بیروت: دارالمعرفة، دوم.
۴۰. هیشمی شافعی، علی بن ابی بکر، (۱۴۰۸ق)، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۱. واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ق)، *المغازی*، بیروت: دکتر مارسدن جونس، سوم.